

ما می گوئیم:

- (۱) ابل: اسم جمع است و واحد هم ندارد. و لذا اگر به صورت تننیه و جمع به کار رفته به معنای گله های شتر یا دو گله شتر است. و از سیبویه نقل شده که در میان اسماء تنها دو اسم بر وزن فِعِل آمده اند، اِبِل و حِبِر (زینت)
- (۲) جَلَّه (جَلَّه، جُلَّه، جَلَّه) به معنای پشگل است و در معنای مطلق عذره به صورت کنایی به کار رفته است. خورنده آن را هم جالَّه و جلاله می گویند.

(۳) درباره استثناء مطرح شده در کلام مرحوم شیخ، احتمالاتی مطرح است:

«الأول: ما فی حاشیة المحقق الإيروانی، قال: «لعلّ هذا استثناء من صدر الکلام أعنی قوله: «یحرم المعاوضة علی بول غیر مأكول اللحم.» بتوهم شمول الإجماع المنقول علی جواز بیع بول الإبل له و إن حرم شربه.» الثانی: أن یکون استثناء من صدر الکلام أيضا و لكن بلحاظ عدم کون بول الجلالة و الموطوءة نجسا، إذ المتیقن من نجاسة بول ما حرم أکله نجاسة بول ما حرم أکله ذاتا لا ما حرم بالعرض. الثالث: ما فی مصباح الفقاهة، و هو کونه استثناء من قوله: «و عدم الانتفاع به. أي لیس لابل ما لا یؤکل لحمه نفع ظاهر الا بول الابل الجلالة أو الموطوءة فإن له منفعة ظاهرة و إن حرم شربه لنجاسته.»<sup>۱</sup>

توضیح :

۱. مرحوم ایروانی احتمال داده که مراد چنین باشد: «بول غیر مأكول اللحم - الا بول شتر جلاله و موطوءه - معاوضه اش، حرام است» چراکه تصور کرده اند بول ابل بالاجماع جایز است معاوضه اش، حتی اگر نجس بوده و شربش حرام باشد.
۲. ممکن است بگوئیم مراد چنین است: «بول غیر مأكول اللحم نجس است جز بول ابل جلاله و موطوءه - که غیر مأكول اللحم هستند ولی بولشان نجس نیست -» چراکه تصور کرده اند بول غیر مأكول اللحم بالذات نجس است و نه بالعرض.

۳. مرحوم خوئی احتمال داده است که مراد چنین باشد: «بول غیر مأكول اللحم منفعت محله متصوره ندارد غیر بول شتر جلاله و موطوءه»

- (۴) از زمره فقهای که به حرمت معاوضه بول غیر مأكول اللحم شده اند می توان به بزرگانی اشاره کرد: مفید در مقنعه [ص ۵۸۷] سلار در مراسم / شیخ طوسی در نهایت [ص ۳۶۴] و در مبسوط [ج ۲ ص ۱۶۵] علامه در قواعد [ج ۱ ص ۱۲۰] محقق در مختصر النافع [ص ۱۱۶] و نراقی در مستند [ج ۲ ص ۳۳۴] و غالت متأخرین

المتأخرين. [ن ك: المكاسب / شيخ انصاری..]

۵) با توجه به اینکه نجاست را عنوان مستقل برای حرمت ندانستیم و ملاک را - تبعاً لصریح فاضل مقداد و فخر المحققین و ابن زهره - بود و نبود منافع محلله دانستیم، می توان گفت در صورت وجود منفعت محلله غیر نادره، بیع بول هم جایز است. اما در زمینه ابل جلاله و موطوءه - علی فرض که بول آنها نجس باشد که باید در کتاب الطهارة بحث شود - هم طبعاً همین حکم جاری است.

۶) اما روایت «إِنَّ اللَّهَ إِذَا حَرَّمَ أَكْلَ شَيْءٍ حَرَّمَ ثَمَنَهُ» اولاً سند قابل قبول نداشت، در ثانی منصرف به جایی است که بیع برای اکل باشد و الا گفتیم که سر از تخصیص اکثر در می آورد چراکه اکثر اشیاء اکلشان حرام است ولی بیع آنها جایز است مثل خاک.

مرحوم شیخ سپس به دو فرع اشاره می کند. فرع اول مربوط به بول مأکول اللحم هاست:

«الأول: ما عدا بول الإبل من أبوال ما يؤكل لحمه المحكوم بطهارتها عند المشهور، إن قلنا بجواز شربها اختياراً كما عليه جماعة من القدماء و المتأخرين، بل عن المرتضى دعوى الإجماع عليه فالظاهر جواز بيعها. و إن قلنا بحرمه شربها كما هو مذهب جماعة أخرى لاستخبارتها ففى جواز بيعها قولان:»<sup>۱</sup>

توضیح :

۱. اگر قائل به جواز شرب بول مأکول اللحم شویم، بیع آن جایز است.

۲. و اگر قائل به حرمت شرب شدیم (چراکه از جمله خبائث است) دو قول در مسئله داریم.

ما می گوئیم :

۱) ظاهراً - چنانکه برخی از محققین کتاب مکاسب آورده اند<sup>۲</sup>، مراد از قدما، فقهای شیعه تا سال ۶۰۰ هـ.ق. هستند و مراد از متأخرین، فقهای شیعه از ۶۰۰ هـ.ق. تا ۱۰۰۰ هـ.ق. است.

۲) از کسانی که قائل به حلیت هستند: ابن جنید [بنا بر نقل شهید اول در دروس ج ۳ ص ۱۷] و سید مرتضی

[الانتصار ص ۴۲۴] و ابن ادریس [السرایر ج ۳ ص ۱۲۵]، محقق [النافع ص ۲۵۵]، فاضل آبی [کشف الرموز ج ۱ ص ۴۳۶] شهید ثانی در شرح لمعه [روضه ج ۷ ص ۳۲۴] و محقق سبزواری [کفایه ص ۲۵۲]

۳) و از کسانی که قائل به حرمت هستند: محقق [الشرایع ج ۳ ص ۱۷۹] علامه در نهایت [ج ۲ ص ۴۶۳] و در

مختلف [ص ۶۸۶] و شهید در دروس [ج ۳ ص ۱۷]

۱. کتاب المكاسب؛ ج ۱ ص ۱۸

۲. شیخ محمد حسین امراللهی در حاشیه بر مکاسب شیخ



۴) جواز بیع بول، متوقف بر جواز شرب نیست - اگرچه گاه به عنوان دوا مورد استفاده بوده است - چراکه منفعت اصلی بول، شرب نیست بلکه چه بسا در صنایع شیمیایی جدید دارای منافع ارزشمند دیگری باشد. و لذا رابطه حرمت بیع و حرمت شرب، عموم و خصوص من وجه است.

«إذ علی فرض جواز الشرب یمکن أن لا یكون لها فی مورد مالّیة و قيمة لعدم الرغبة فیها أصلاً كما هو الغالب فلا یصحّ بیعها لذلك. و علی فرض عدم جواز الشرب یمکن أن يتصور لها منافع عقلائیة توجب لها قيمة و رغبة فیصحّ بیعها لذلك.»<sup>۱</sup>

۵) اما اینکه آیا شرب بول مأكول اللحم جایز است؟ محتاج بحث مستقلی است که به صورت استطرادی آن را مطرح می کنیم.